

یادداشت

گذرا ز لبه سقوط

اعتقاد من این است که حزبی با تعریف واقعی در کشور ما وجود ندارد... و شاید هم حاکمیت این فرصت را به آنها نداده که بتوانند رشد کنند و... در چنین شرایطی، تنها کاری که می‌شود کرد، تکیه بر همان سیاست‌های کلی است که پیش‌تر تدوین شده است» (پژشکیان- ۱۴۰۴/۴/۷). در واقع برنامه نداریم چون حزب نداریم و مجبوریم حرف‌های کلی بزنیم و اجازه ایجاد احزاب قدرتمند را هم نمی‌دهیم تا برنامه داشته باشیم و حرف‌های کلی و متناقض نزنیم؛ دور باطل!

این در حالی است که احزاب سیاسی شکل خاصی از سازمان‌دهی نیروهای اجتماعی‌اند و به‌عنوان سازمان، تحت فشار گروه‌ها و علایق اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند و مطالبات آنها را در قالب برنامه بازتابی می‌دهند. بر این اساس در کشورهایی که دارای نظام حزبی جاافتاده‌ای هستند، احزاب سیاسی به‌عنوان حلقه پیوند میان منافع اجتماعی و نهادهای تصمیم‌گیر سیاسی عمل می‌کنند. بالعکس در جامعه توده‌ای و فاقد نظام تشکلی و حزبی، تمایزات گروهی و صنفی کم‌رنگ و طبق جامعه‌شناسی دورکهایمی وضعیت «اتومی» یا بی‌هنجاری ایجاد می‌شود. جامعه ایران به نظر در این میانه قرار دارد؛ نه نظام حزبی جاافتاده‌ای دارد و نه فاقد تشکلیابی و جامعه‌ای توده‌ای است. این بلاتکلیفی و پادروهایی سبب شده است که از یک سو از طرف دولت و نظام حکمرانی بارها از کارشناسان و گروه‌ها و نهادهای برای حل مسائل و مشکلات دعوت به همکاری و همراهی شود و حتی قوانین و مقرراتی برای این مشارکت مصوب شود (قانون احزاب و گروه‌های سیاسی، قانون تشکیل‌های صنفی و تخصصی، قانون بهبود محیط کسب‌وکار و...)، اما همین‌که این تشکله‌ها سخنی برخلاف علایق و پارادایم ذهنی و سازوکار سیاسی حاکم بر زبای می‌آورند، بلافاصله مورد حمله و هجوم و... قرار می‌گیرند؛ از بیانه ۱۸۰ اقتصاددان تا نامه جبهه اصلاحات و... و اخیراً نیز گزارشی از اتاق بازرگانی ایران که در آن به تحلیل پیامدهای بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل (اسنپک) پرداخته و در قالب تحلیلی علمی و جامع (با رویکردی دقیق، داده‌محور و واقع‌بینانه - گزارش) و زبانی مصلحانه (اجتناب از هرگونه بزرگ‌نمایی، سیاه‌نمایی، یا ایجاد ناامنی روانی - گزارش)، آینده کشور در سناریوهای مختلف پیش‌بینی و توصیه‌هایی ارائه شده است. توصیه‌هایی همچون: دیپلماسی فعال و همه‌جانبه، استفاده از تعویق زمانی اعلام‌شده از سوی اروپایی‌ها، تثبیت فضای سیاسی داخلی و پرهیز از دوگانگی در پیام‌رسانی، تشکیل اتاق فرمان بحران تحریم، تنوع‌بخشی به صادرات و تجارت بین‌الملل، حفظ سرمایه اجتماعی و ثبات روانی اقتصاد و...

به نظر می‌رسد تحمل‌نشدن حتی این نوع گزارش‌های کارشناسی ریشه در تلاش برای «یکدست‌کردن» همه نگرش‌ها و یکسان‌سازی همگانی از سوی گرایشی ایدئولوژیک در ساختار قدرت دارد. گرایشی که هنوز در فضای جنگ سرد تنفس می‌کند. گرایشی که سرای استقلال اقتصادی را از سر گذاش آن یعنی «درون‌گرایی و خودکفایی» می‌نوازد و با «آزادی و رقابت و حضور در زنجیره‌های جهانی ارزش» در تضاد و تقابل است. نگرشی که دو مؤلفه اصلی رشد اقتصادی بالا و بادوام یعنی «درون‌گرایی» و «توسعه بخش خصوصی» را برنمی‌تابد و با هر چه محدودکردن تعاملات اقتصادی با جهان (عدم حضور فعال تجار ایرانی در ۱۹۰ کشور جهان و محدودشدن ۸۲ درصد صادرات کشور در سال گذشته تنها به هفت کشور - ۱۴۰۴/۱/۱۸) و دولتی و شبه‌دولتی کردن اقتصاد و حتی تشکله‌ها (ایجاد شورایی‌عالی تشکل‌ها توسط دولت- وزیر صمت- ۶/۴) سعی در حفظ وضع موجود می‌کند. وضعیتی که ثمره آن، اقتصاد و صنعتی است که در رکود توری به سر می‌برد و در ماه‌های اخیر رشد منفی داشته‌اند (رشد اقتصادی در خرداد و تیر به ترتیب منفی ۰.۲ و ۰.۳ درصد و رشد صنعتی منفی ۲.۸ درصد و ۳.۴ درصد - مرکز پژوهش‌های مجلس - ۶/۷) و اکنون نیز مکانیسم ماشه بر روی شقیقه‌های‌شان است.

اینک که جناب پژشکیان در چین به سر می‌برند، چه خوب که به دلایل موفقیت‌های عظیم اقتصادی (و البته نه سیاسی) این کشور قریب بیندیشند. کشوری که آن را شریک استراتژیک خود می‌داند و قرارداد ۲۵ساله با آن امضا کرده‌اند، اما سال‌هاست که با شعار «جست‌وجوی حقیقت از واقعیت» و «مهم نیست کربه سیاه باشد یا سفید...» و... از فضای جنگ سرد و آزمایش خطاهایی همچون جهش بزرگ به پیش، قتل‌عام گنجشکان و کوره‌های خانگی فولاد و... که جان و مال میلیون‌ها چینی را نیست و نابود کرد، گذر کرده و به دومین قدرت اقتصادی جهان تبدیل شده است.

اگر در گوگل عبارت «چرا چین موفق شد؟» را جست‌وجو کنید، این پاسخ‌ها بالا می‌آید: «سیاست درهای باز، تسهیل ورود سرمایه‌های خارجی، افزایش نقش بخش خصوصی در اقتصاد و...» همان مؤلفه‌هایی‌که نیاز حیاتی امروز ایران است و در نبود احزاب قوی و برنامه روشن و... به‌عنوان راهبردهای کلان می‌توانند در دستور کار نظام حکمرانی قرار گیرند تا شاید امکان گذر سلامت از «لبه سقوط» فراهم شود.

آمریکا مشتاق اسنپ‌بک است

ایسن پیش‌نویس بر خلاف روال معمول بدون هماهنگی با دیگر اعضای دائمی شورای امنیت تهیه شده و سه کشور اروپایی نشان داده‌اند که چون پیش‌شرط‌های آنها را منظر نداشته و بند ۲ آن اسنپ‌بک را طی شش ماه آینده ممنوع می‌کند، نظر مثبتی به آن ندارند. به لحاظ عملی، تنها راهی که اکنون وجود دارد، کار با سه کشور اروپایی در حول و جوش شرایط سه‌گانه آنها، شامل مذاکره با آمریکا، همکاری با آژانس و حسابرسی اورانوم غنی‌شده در ایران است. ایران مدت‌هاست که مشکلی در ارتباط با شرط اول ندارد. درمورد شرایط دوم و سوم نیز ایران سال‌هاست که به همکاری با آژانس مشغول بوده، ضمن اینکه عملیاتی‌کردن همکاری با آژانس در شرایط جدید زمان‌بر خواهد بود. درحالی‌که سه کشور اروپایی از آمادگی برای همکاری در هفتم ۳۰ روزه سخن می‌گویند، آمریکا روشن کرده است که علاقه‌ای به همکاری برای توقف روند بازگشت شن قطع‌نامه ندارد. در بیانه و مقاله‌ای در پلیتیکو که توسط سه کشور اروپایی بعد از ارسال نامه به شورای امنیت منتشر شدند، تصریح شده است که ۳۰ روز پیش‌رو برای کار با ایران دربارۀ تمدید مهلت یا هر تلاش دیپلماتیک دیگر...» استفاده خواهد کرد. همین معنا در بیانه سخنگوی دبیر کل سازمان ملل و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز تکرار شده است. اما بیانه وزارت خارجه آمریکا فاقد مضمون مشابهی است. در این بیانه ضمن تشکر از سه کشور اروپایی و اعلام آمادگی آمریکا «برای همکاری با اعضای شورای امنیت برای تکمیل موفق روند اسنپ‌بک...» اضافه شده که «آمریکا همچنان برای کار درمورد حل مسئله هسته‌ای ایران در دسترس خواهد بود» و «اسنپ‌بک آمادگی آمریکا برای دیپلماسی را تقویت خواهد کرد». بیانه آمریکا حاکی از اصرار آن کشور به عملیاتی‌شدن اسنپک و اعاده قطع‌نامه‌های ضد ایرانی است. باید توجه داشت که آمریکا با لغو این قطع‌نامه‌های شورای امنیت اهرم مهمی را از دست داد و اکنون مشتاق به بازپس‌گیری آن اهرم و قرارگرفتن مجدد در موقعیتی است که با حق و‌تو بتواند مانع لغو مجدد آنها شود. مقامات ما باید توجه داشته باشند که آمریکا با اسنپ‌بک به اهرمی برای وتوی هر توافق با ایران دست خواهد یافت که قبلاً فاقد آن بوده است. این اهرم مهمی برای آمریکا خواهد بود و به واشنگتن امکان خواهد داد که بتواند مستقل از دیگر کشورها در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران عمل کند. ناگفته روشن است که اسرائیل نیز بی‌صبرانه منتظر چنین تحولی است. این مهم حکم می‌کند که ایران از هیچ تلاشی برای جلوگیری از تکمیل روند اسنپ‌بک طی ۲۸ روز آتی فروگذار نکند. همچنین باید توجه داشت که تهدیدهایی مانند خروج از ان‌پی‌تی و نظایر آن تأثیری بر روند جاری نخواهد داشت.

 	ادامه از صفحه اول
---	------------------------------

۱۰ سال پس از گشودن مرزها، اروپا با بحران هویت و گسترش خشونت و تروریسم روبه‌روست

میراث مرکل

شرق: ۱۰ سال پیش صدراعظم وقت آلمان با تصمیمی یک جانبه مرزهای اروپا را به روی مهاجران گشود. او این اقدام را دفاعی از ارزش‌های انسانی خواند، اما امروز بسیاری از اروپایی‌ها معتقدند همان انتخاب، بحران هویت، ناامنی، خشونت و شکاف اجتماعی را به این قاره تحمیل کرد.

۳۱ اگوست ۲۰۱۵، آنکلا مرکل، صدراعظم وقت آلمان، بدون راینزی گسترده با همتایان اروپایی خود تصمیم گرفت مرزهای قاره را به روی سیل پناه‌جویان باز کند. او در همان روز گفت: «ما می‌توانیم» و افزود اگر اروپا در آزمون پناهندگان شکست بخورد، دیگر اروپایی‌که در پی آن بوده‌ایم وجود نخواهد داشت. سخنان مرکل در تاریخ ماندگار شد؛ اما پیامدهای آن از همان هفته‌های نخست خود را نشان داد.

مرکل در تصمیمش بیش از همه تحت تأثیر جنگ‌های خاورمیانه، به‌ویژه سوریه و عراق، بود. اما پیام او فقط به قربانیان جنگ نرسید. در همان سال، موجی عظیم از مهاجران با انگیزه‌های گوناگون به سمت اروپا به حرکت درآمدند. از میان ۱٫۳ میلیون نفری که در ۲۰۱۵ به اروپا وارد شدند، شمار زیادی از افغانستان، پاکستان، عراق، نیجریه، مراکش، الجزایر و اریتره آمده بودند؛ کشورهایی که لزوماً درگیر جنگ داخلی نبودند.

آمارها نشان می‌دهد میان سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷، فقط آلمان ۱٫۴ میلیون نفر را پذیرفت. فرانسه ۲۷۶ هزار، ایتالیا ۲۴۰ هزار، و سوئد ۲۰۵ هزار مهاجر را اسکان دادند. در آن روزها، بسیاری از رهبران اروپایی حامی مرکل بودند. تنها استنلتا، ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان بود که هشدار داد این سیاست آینده اروپا را به خطر می‌اندازد.

مانوئل والس، نخست‌وزیر وقت فرانسه از حزب سوسیالیست، در سخنرانی خود در پارلمان تأکید کرد: «فرانسه، وفادار به ارزش‌هایش، می‌داند که چه جایگاه و مسئولیتی دارد... وظیفه فرانسه این است که کسانی را که به خاطر عقایدشان تحت تعقیب‌اند یا در معرض تهدید قرار دارند، بپذیرد». اما همین سیاستمدار هشت سال بعد تغییر موضع داد و در سال ۲۰۲۳ اعلام کرد: «در موضوع مهاجرت، باید دگمه توقف را فشار دهیم».

از امید واهی تا واقعیت تلخ

دگمه توقف هرگز فشار داده نشد. پس از کاهش موقت جریان مهاجرت در دوران همه‌گیری کرونا، موج ورود غیرقانونی به اروپا بار دیگر شدت گرفت. مقام‌های جزایر قناری اخیراً از فروتنسک، نهاد مرزبانی اتحادیه اروپا، کمک خواسته‌اند تا با افزایش ورود مهاجران از آفریقا مقابله کنند. فقط در یک شبانه‌روز، نزدیک به ۸۰۰ مهاجر در جزیره لامپدوسا در ایتالیا پیاده شدند. عبور غیرقانونی از فرانسه به انگلستان نیز رکورد تازه‌ای ثبت کرد.

خیلی زود مردم اروپا فهمیدند تصمیم مرکل خطایی سنگین و بحران‌زا بود. است. با وجود هشدارها، او در شب سال نوی ۲۰۱۶، همچنان بر خوش‌بینی خود پافشاری کرد. مرکل مهاجران و پناه‌جویان را «فرصتی برای فردا» خواند و به مردم وعده داد کشورها همیشه از مهاجرت موفق، هم اقتصادی و هم اجتماعی، بهره برده‌اند. اما فقط چند ساعت بعد، در همان شب سال نو، خیابان‌های کلن صحنه تظاهرات گسترده علیه زنان شد؛ ده‌ها زن که در جشن سال نو حضور داشتند، توسط گروه‌هایی از مردان مهاجر تازهوراد مورد حمله قرار گرفتند.

برگ سبز خودرپژو پارس رنگ مشکي متالیک مدل: ۱۳۸۱ به شماره پلاک: ۴۴ ایران ۲۸۱ ب ۵۹ و شماره موتور: ۲۲۸۲۸۰۷۴۴۴ و شماره شاسی: ۸۱۸۰۶۶۳۲ به نام زهر ایزدان پناه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی اینجناب سحر زارع نیستانک فرزند احمد به کدملی ۰۰۱۵۰۱۵۱۳۰ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته تربیت بدنی صادره از واحد دانشگاهی یادگار امام خمینی با شماره ۱۲۹۴۶۶۱ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به صندوق پستی ۱۸۱۵۵/۱۴۴ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی ارسال نماید.

به اطلاع می‌رساند گواهینامه موقت پایان تحصیلات مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی تکنولوژی معماری اینجناب سحر محمودی ناز لو فرزند سیروس به شماره شناسنامه ۳۸۰۰ و کد ملی ۰۲۷۵۴۴۸۵۴۹۱ به شماره سریال ۰۶۹۴۱۱۸ صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.



دکتر هادی فاثیکی

آداب گفتگو

چهار شنبه ۱۴۰۴/۶/۱۲ – ساعت ۱۷:۳۰ الی ۱۹:۳۰

ضلع جلویی بلوار میرداماد نرسیده به میدان مادر شماره ۱۲۶ طبقه ۴

<https://www.skyroom.online/ch/iaie/general-speech>

<https://www.instagram.com/iaiengineers>

۱۰ سال پس از گشودن مرزها، اروپا با بحران هویت و گسترش خشونت و تروریسم روبه‌روست



رنگ خطر برای اروپا

داگلاس مسوری، روزنامه‌نگار بریتانیایی، در ۹ ژانویه ۲۰۱۶ نوشت: «کلن بحران قاره ما را برملا کرد». او هشدار داد: «نخیکان اروپایی به جای مواجهه با مشکلات، بر واکنش‌ها تمرکز می‌کنند. اگر همچنان خود را سرگرم حاشیه‌ها کنیم، این قاره به‌سرعت رو به تباهی خواهد رفت».

اروپا سقوط کرده است. امکان شرح کامل فروپاشی‌های ۱۰ سال اخیر در یک متن نیست، اما چه کسی می‌توانست در سال ۲۰۱۵ تصور کند که در سال‌های بعد یهودیان در خیابان‌های آمستردام شکار شوند، اقلیت‌ها در پارکی در انگلستان به طرز وحشیانه‌ای قتل‌عام شوند، کنیسه‌ها در شهرهای فرانسه به آتش کشیده شوند و نام سوئد مترادف با حملات نارنجکی شود؟ اینها نه تصاویر اغراق‌آمیز رسانه‌ها، بلکه واقعیت‌های تلخی است که در اروپا رخ داده و افکار عمومی را نسبت به آینده قاره به‌شدت بدبین کرده است.

اروپا از همان روزها وارد مرحله‌ای تازه شد. موج مهاجران نه‌تنها نظم اجتماعی را برهم زد، بلکه هم‌زمان با رشد تروریسم همراه شد. ژانویه ۲۰۱۵، دو مهاجم القاعده دفتر نشریه «شارلی ابدو» در پاریس را به گلوله بستند و اعضای تحریریهِ آن را قتل‌عام کردند. اتحادیه اروپا وعده داد با «تقویت و مدرن‌سازی کنترل مرزهای خارجی» امنیت شهروندان را تضمین کند و مانع سفر جنگجویان و تروریست‌ها شود. اما فقط ۱۰ ماه بعد، پاریس بار دیگر خونین شد. در نوامبر همان سال، سلول تروریستی داعش در پایتخت فرانسه ۱۳۰ نفر را کشت. در میان عاملان، دو نفری بودند که خود را به عنوان مهاجر وارد اروپا کرده بودند. این واقعیت، امنیت قاره را به لرزه انداخت.

امروز تحلیلگران امنیتی می‌گویند داعش بار دیگر در غرب آفریقا قدرت گرفته و نگاهش به اروپا دوخته شده است. در یکی از تازه‌ترین بیانه‌های خود، این گروه پروپاژا را به «جهاد در سواحل اروپا» فراخوانده و خواسته «امنیت قاره را در هم بشکنند». اگرچه در سال‌های اخیر سرویس‌های اطلاعاتی اروپا

در شناسایی و انهدام شبکه‌های سازمان‌یافته موفق‌تر شده‌اند، اما حملات فردی همچنان ادامه دارد. در سال ۲۰۲۰، یک مهاجر تونس‌ی سه مسیحی را در کلیسایی در شهر نپس کشت. سال گذشته، یک مهاجر سوری سه آلمانی را در جشنواره‌ای در شهر زولینگن به قتل رساند.

خشم عمومی و تغییر سیاست

اروپا در دهه اخیر بارها شاهد خشونت‌ها و کشتارهای متعدد بود. اینها رخدادهایی بودند که ۱۰ سال قبل کمتر کسی می‌توانست تصور کند. نتیجه روشن بود: رای‌دهندگان خسته از ناامنی و بحران هویت، به احزاب راست‌گرا روی آوردند. محبوبیت نایجل فراژ در بریتانیا، مارین لوپن در فرانسه، خرت ویلدرز در هلند و جورجیا ملونسی در ایتالیا، بازتاب همین تغییر است. همچنین احزاب راست در اتریش، پرتغال، اسپانیا، آلمان، یونان و سوئد قدرت گرفتند.

این تغییر نه‌تنها به دلیل ترس از مهاجرت افسارگسیخته و ورود تروریست‌ها، بلکه ناشی از سرخوردگی عمیق مردم از نخیکان سیاسی بود: نخیکانی که سال‌ها با روایت‌های غیرواقع‌بینانه ایدئولوژیک، واقعیت بحران را کتمان کردند. با گذشت یک دهه، اتحادیه اروپا نتوانسته وعده‌های خود برای دفاع از مرزها را عملی کند. مرزها همچنان نفوذپذیرند؛ لامیدوسا و جزایر قناری شاهد موجی تازه از مهاجران‌اند. بیشتر آنان در پی زندگی بهتری می‌آیند، اما همیشه این پرسش مطرح است: از میان هزاران نفر چند نفر مأموریت دیگری ندارند؟ مرکل در خطراتی که سال گذشته منتشر کرد، نوشت از تصمیم خود پشیمان نیست. اما نظرسنجی‌ها بارها نشان داده‌اند که اکثریت مردم اروپا این سیاست را عامل بی‌ثباتی و ناامنی می‌دانند. به باور بسیاری، در آزمون پناه‌جویان، نه مردم، بلکه مرکل و دیگر سیاستمداران همراهش شکست خورد. میراث او قاره‌ای است که کمتر کسی در آرزویش بود؛ قاره‌ای که از وعده آرمان‌گرایی به واقعیت تلخ ناامنی و تزلزل رسید.

گزارش

ایمنی کاردرا ایران در گذر تاریخ

در جهان اما نمونه‌های مشابه سرنوشت متفاوتی داشتند؛ آتش‌سوزی کارخانه «تری‌انگل» در آمریکا (۱۹۱۱) به تصویب قوانین ایمنی سخت‌گیرانه انجامید. فاجعه بوپال هند (۱۹۸۴) منجر به بازنگری جدی در قوانین ایمنی صنعتی و مسئولیت شرکت‌ها شد. در اروپا نیز حادثه «سوسو» در ایتالیا (۱۹۷۶) به تصویب مقررات محیط‌زیستی و ایمنی جدید انجامید. در ایران اما واکنش‌ها اغلب به‌صورت مقطعی بوده است؛ برکناری چند مدیر، تشکیل کمیته‌های موقت یا صدور بخش‌نامه‌هایی که به‌سرعت فراموش می‌شوند. پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهند ضعف نهادهای مستقل کارگری، غلبه نگاه جبرانی به‌جای پیشگیرانه و اولویت‌های کوتاه‌مدت اقتصادی دولت‌ها از مهم‌ترین دلایل این تفاوت هستند.

نقص در سیاست‌گذاری

بررسی تاریخی نشان می‌دهد ایران در بیش از دو هزار سال تجربه، همواره اشکالی از حمایت از کارگران را داشته است؛ از لوح‌های اداری هخامنشی تا قانون کار ۱۳۶۹ و الحاق به معقوله‌نامه ۱۵۵ سال‌های اخیر. با این‌حال، با وجود این سابقه طولانی، هنوز هم نظام ایمنی و بهداشت کار در ایران بیشتر از بیرون تأثیر پذیرفته و در داخل کشور کمتر شاهد نهادسازی بومی و پایدار بوده‌ایم. حوادث بزرگ در جهان معمولاً نقطه عطف اصلاحات نهادهای و حقوقی شده‌اند، اما در ایران چنین حوادثی بیشتر به واکنش‌های کوتاه‌مدت و مقطعی انجامیده است. این موضوع نه‌تنها نشان‌دهنده خلأ در فرهنگ پیشگیرانه، بلکه بیانگر مشکلات ساختاری در نظام حکمرانی ایمنی و بهداشت کار است. بررسی دقیق علل این مشکلات ساختاری –ازجمله ضعف تشکل‌های کارگری، اولویت‌های اقتصادی دولت‌ها و کاستی‌های نهادی– از چارچوب و این نوشتار فراتر می‌رود. در ادامه، در مطلبی جداکانه و مفصل‌تر، به واکاوی این ریشه‌های ساختاری خواهیم پرداخت.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر پارینکه سند مالکیت شش دانگ یک قطعه آپارتمان وضعیت خاص طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۳۲۵ فرعی از ۴۴۰۴ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۸۳ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۳ تفکیکی در طبقه ۲ و واقع در بخش ۰۷ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک خاوران تهران استان تهران به مساحت ۴۴.۳۶ متر مربع متن ملک آپارتمان قطعه سوم تفکیکی شماره سیصد و بیست و پنج فرعی از شماره چهار هزار و چهارصد و چهار اصلی مفروز و مجزی شده از شماره ۸۳ فرعی از اصلی مذکور ، به مساحت (۳۶ / ۴۴) چهل و چهار متر و سی و شش دسیمتر مربع ، واقع در طبقه دوم که (۲/۱) دو متر و ده دسیمتر مربع آن پیشرفتگی است. توضیحات ملک مشخصات منضمات ملک:

پارکینگ قطعه ۱ به مساحت ۹۶۱ واقع در طبقه ۰ به حدود اربعه شمالا: خط فرضی است بطول چهار متر و سی و هفت سانتیمتر شرقا: خط فرضی است بطول دو متر و بیست سانتیمتر جنوبا: خط فرضی است بطول چهار متر و سی و هفت سانتیمتر غربا: خط فرضی است بطول دو متر و بیست سانتیمتر سطح مجاور خطوط فرضی ذکر نشده ، محوطه مشاعی است.

مشخصات مالکیت:

مالکیت فاطمه محمدی کشه فرزند عباس شماره شناسنامه ۱۲۲۷ تاریخ تولد ۰۳/۰۲/۱۳۴۸ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۰۸۲۸۶۵۷ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان بیع شرط نمیشابد یا شماره مستند مالکیت ۴۵۳۵۸ تاریخ ۱۳۹۵.۰۴.۲۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره۴۸۹ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۰۱۳۸۱۱ سری ج سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۳۰۴۰۳۰۰۵۵۵۸ ۱۳۹۵۲۰۳۰۴۰۳۰۰۵۵۵۸ ثبت گردیده است.اینک خانم فاطمه محمدی کشه مالک طی درخواست المثنی بشماره بدون شماره مورخ ۰۸/۱۴۰۴ با ارائه دو برگ استشهادیه که بامضاء شهود رسیده است و ذیل یکی از آنها طی ذیل گواهی تصدیق شماره ۵۰۸۴۱۳ مورخ ۰۸/۰۸/۱۴۰۴ دفتر خانه ۴۸۹ تهران گواهی امضاء گردید مدعی است که اصل سند مالکیت به علت اسباب کشی مفقود گردیده است و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده لذا مراتب بااستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود میباشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد خواهد شد و پس از انقضاء مدت مذکور و عدم هر گونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.

م الف ۱۳۴۸۷ اداره ثبت اسناد و املاک خاوران (تهران)